

مورخ ۲۴ می ۱۹۱۳ در منزل مستر و
مسس دریفوس در پاریس: درباره
مبعث حضرت اعلی و بشارت به ظهور
حضرت بهاءالله و تشریح علم ذاتی مظاهر
ظهور

حضرت عبداله‌بهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۴ می ۱۹۱۳ در منزل مستر و مسس

دریفوس در پاریس:

درباره مبعث حضرت اعلی و بشارت به ظهور

حضرت بهاءالله و تشریح علم ذاتی مظاهر ظهور^۱

(خطابات جلد سوم، ص ۵۰-۸)

هو الله

امروز چون مبعث حضرت اعلی بود، لهذا جمیع شماها را تبریک می گویم. امروز روزی بود که شبش، حضرت باب در شیراز برای حضرت باب الباب اظهار امر کردند. ظهور حضرت باب عبارت از طلوع صبح است. چنانکه طلوع صبح بشارت به ظهور آفتاب می دهد، همین طور ظهور حضرت باب علامت طلوع شمس بها بود. یعنی صبحی بود نورانی که آفاق را روشن کرد و آن انوار کم کم نمایان شد تا عاقبت مهر رخشان جلوه نمود. حضرت باب مبشر به طلوع شمس بهاء الله بود و در جمیع کتب خویش بشارت به ظهور حضرت بهاء الله داد حتی در اول کتابی که موسوم به احسن القصص است، می فرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک و ما تمنیت الا القتل فی سبیلک. نهایت آرزوی حضرت باب شهادت در این سبیل بود. این تاج سلطنت ابدیه را بر سر مبارک نهاد که جواهر زواهرش قرون و اعصار را روشن نماید. حضرت اعلی روحی له الفداء صدمات بسیار شدید دید در اول امر در شیراز در خانه خویش حبس بود، بعد از آنجا به اصفهان حرکت فرمود. علمای آنجا حکم به قتل دادند و نهایت ظلم و اعتساف روا داشتند حکومت حضرت را به تبریز فرستاد و در ماکو حبس

^۱ نطق مبارک در مبعث حضرت اعلی در منزل مسیو و مادام دریفوس شب ۲۴ می ۱۹۱۳ در

شدند و از آنجا به قلعه چهریق برای حبس فرستادند. ضرب شدید دیدند و اذیت بی پایان کشیدند. آخر الامر به تبریز مراجعت دادند و هزاران گلوله به سینه مبارکش زدند. لکن از این شهادت شمعش روشنتر شد و علمش بلند تر گردید و قوه ظهورش شدید تر گشت؛ تا حال که در شرق و غرب اسم مبارکش منتشر است.

باری بعضی را چنان گمان که مظاهر مقدسه تا یوم ظهور از حقیقت خویش خبر ندارند مانند زجاجی که از روشنائی بی نصیب است و چون سراج امر روشن شود آن زجاج نورانی گردد. ولی این خطا است زیرا مظاهر مقدسه از بدایت ممتاز بوده اند این است که حضرت مسیح می فرماید در ابتدا کلمه بود پس مسیح از اول مسیح بود کلمه بود و کلمه نزد خدا بود. بعضی را گمان چنان که وقتی که یحیی از نهر اردن حضرت مسیح را تعمید داد آن وقت روح القدس بر مسیح نازل شد و مبعوث گشت و حال آنکه حضرت مسیح به صریح انجیل از اول مسیح بود. همچنین حضرت محمد می فرماید کنت نبیاً و الآدم بین الماء و الطین و جمال مبارک می فرماید کنت فی ازلیة کینونتی عرفت حیّ فیک نخلقتک. آفتاب همیشه آفتاب است اگر وقتی تاریک بوده آفتاب نبوده آفتاب به حرارتش آفتاب است لهذا مظاهر مقدسه لم یزل در نورانیت ذات خود بوده و هستند. اما یوم بعثت عبارت از اظهار است و الا از قبل هم نورانی بوده اند حقیقت آسمانی بوده اند و مؤید به روح القدس و مظهر کمالات الهی مثل این آفتاب که هر چند نقاط طلوع آن متعدّد است و هر وقتی از مطلعی و هر روزی از برجی طلوع می نماید ولی نمی شود گفت آفتاب امروز حادث است نه بلکه همان آفتاب قدیم است لکن مطلع و مشارق حادث و جدید.

باری حضرت اعلی روحی له الفداء در جمیع کتب خویش بشارت به ظهور بهاء الله داد که در سنه تسع ظهور عجیبی ظاهر می شود و هر خیری حاصل می گردد و کلّ به لقاء الله فائز می شوند، یعنی ظهور ربّ الجنود خواهد بود و آفتاب حقیقت طالع و روح ابدی دمیده خواهد شد. خلاصه بیانات بسیار دارد که جمیع در بشارت به ظهور بهاء الله است. آن بود که چون حضرت بهاء الله در بغداد، یوم رضوان اظهار امر فرمود، جمیع بابیان معترف شدند، مگر قلیل. و قوت و قدرت بهاء الله قبل از اظهار امر ظاهر بود و جمیع خلق حیران که این چه شخص جلیلی است و این چه کمالات و علم و فضل و اقتدار لهذا به مجرد ظهور در ایامی قلیله خلق ملتفت شدند.

با آنکه حضرت بهاء الله در حبس بود، ولی امرش شرق و غرب را احاطه نمود. دو پادشاه مستبد می خواستند امرش را محو نمایند و سراجش را خاموش کنند، لکن روشن تر شد. در زیر زنجیر علمش را بلند کرد و در ظلمت زندان نورش ساطع گشت و جمیع اهالی شرق، ملوک و مملوک نتوانستند

مقاومت نمایند. آنچه منع کردند و اصحابش را کشتند، نفوس بیشتر اقبال کردند. به جای یکنفر مقتول، صد نفر اقبال کردند و امرش غالب شد. و این قدرت بهاء الله قبل از ظهور معلوم بود. نفسی به حضورش مشرف نشد، مگر آنکه مبهوت گشت. علما و فضلاى آسیا همه معترف بودند که این شخص بزرگوار است، اما ما نمی توانیم از تقلید دست برداریم و میراث آباء را ترک کنیم. هر چند مؤمن نبودند، اما می دانستند که شخص بزرگواری است. و بهاء الله در مدرسه ای داخل نشد معلمی نداشت. کلماتش بذاته بود. همه نفسی که او را می شناختند، این مسئله را به خوبی می دانستند. با وجود این آثارش را دیدید و علوم و کلماتش را شنیدید، حکمت و فلسفه اش را می بینید که مشهور آفاق است، تعالیمش روح این عصر است جمیع فلاسفه شهادت می دهند و می گویند که این تعالیم نور آفاق است.

باری مظهر الهی باید نور الهی باشد. نورانیتش از خود او باشد، نه از غیر. مثل اینکه آفتاب نورش از خود اوست، اما نور ماه و بعضی ستارگان از آفتاب است، به همین نورانیت مظاهر مقدسه بذاتهم است، نمی شود از دیگری اقتباس نمایند. دیگران باید از آنها اکتساب علوم و اقتباس انوار نمایند، نه آنها از دیگران. جمیع مظاهر الهیه چنین بوده اند. حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت باب و حضرت بهاء الله در هیچ مدرسه ای داخل نشدند، لکن کتبی از آنها صادر که جمیع شهادت دادند بر اینکه بی مثل بوده اند. و این قضیه بهاء الله و باب، یعنی عدم دخول در مدارس را الآن در ایران، نفوس دلیل و برهان می دانند. در شرق به کتب بهاء الله استدلال بر حقیقت او می نمایند که هیچکس نمی تواند مانند این آیات صادر نماید و نفسی پیدا نشد که بتواند نظیر آن بنویسد زیرا این کتب و آثار از شخصی که در مدرسه ای داخل نشده صادر گشته، و برهان حقیقت اوست. باری این کلمات بذاته بوده و اگر غیر این باشد، نمی شود. نفوسیکه محتاج تحصیل از دیگرانند، چگونه مظهر الهی می شوند؟ سراجی که خود محتاج نور است، چگونه روشنی بخشد. پس باید مظهر الهی خود جامع کلمات موهبتی باشد نه اکتسابی؛ شجری باشد مثمر به ذات باشد، نه ثمر مصنوعی. چنان شجر شجره مبارکه است که بر آفاق سایه افکند و میوه طیبه دهد.

پس در آثار و علوم و کلماتیکه از حضرت بهاء الله ظاهر شد، نظر نمائید که به قوه الهیه و تجلیات رحمانیه بود. حضرت باب در جمیع کتب بشارت به ظهور آن فیوضات و کلمات الهیه داد. لهذا شما ها را تبریک روز بعثت حضرت اعلی روحی له الفداء می گویم که این عید سعید و روز جدید بر جمیع شما مبارک و مایه سرور قلوب باد.

